

پیشگفتار

تقدیم به:

استاد دکتر علیرضا کیامنش

به پاس تلاش‌های بی‌دریغ در راه اعتلای فرهنگ پژوهش

در سال‌های اخیر گرایش پژوهشگران به تحقیقات تطبیقی در حوزه علوم انسانی و به‌ویژه علوم تربیتی روندی صعودی داشته است که برای کشف چرایی آن باید به اثرگذاری عوامل سه‌گانه سیاسی، فناوری و آموزشی توجه کرد. عامل سیاسی به این واقعیت اشاره دارد که در دو دهه گذشته تضاد بین قدرت‌های جهانی به تعارض بین فرهنگ‌ها تبدیل شده است. این تغییر به دخالت مستقیم مردم عادی - به جای سیاست‌مداران حرفه‌ای - در فعالیت‌های سیاسی مثبت و منفی منجر شد. شروع مثبت مشارکت توده مردم را می‌توان در سقوط دیوار برلین و وحدت دو آلمان یا رشد دموکراسی در بعضی کشورها (برای مثال نقش مردم در کره جنوبی برای کناره‌گیری نظامیان از صحنه قدرت) دید. تجربه منفی مداخله مردم عادی در امور سیاسی به‌وضوح در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال رشد جهان آشکار می‌گردد (حملات تروریستی انتحاری در فرانسه و اندونزی). مجموعه حوادث عمده‌تاً منفی باعث طرح این پرسش در اذهان سیاست‌مداران، مصلحان اجتماعی و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی شد که آموزه‌های کدام نظام تربیتی باعث شده است این افراد به مردم بی‌گناه حمله کنند و با حملات انتحاری افزون بر خود، ده‌ها نفر را به قتل برسانند. پاسخ به این پرسش باعث شد توجه همگان به شناخت نهادهای تربیتی در مناطق مورد منازعه معطوف شود. در این وضعیت رشته آموزش و پرورش تطبیقی که در بدو امر و سنتی در پی توضیح ساختارهای صوری نظام‌های آموزشی بود با تبیین بنیان‌های فکری و فرهنگی حاکم بر مدارس، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها و مراکز عقیدتی به یکی از سرزنده‌ترین حوزه‌های علمی بین رشته‌ای مبدل شد. به بیان دیگر، در حالی که در گذشته رسالت اولیه پژوهش‌های تطبیقی توجه صرف به پیشرفت‌های آموزشی در دیگر جوامع بود، رسالت جدید آن توجه به نقش نظام‌های تربیتی در

بحران‌های اجتماعی و سیاسی است.^۱ بر این اساس گرایش روزافزون پژوهشگران علوم انسانی و علوم تربیتی به استفاده از روش تحقیق تطبیقی قابل درک است.

پیدایش، گسترش و کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین - به‌ویژه اینترنت - دومین عامل گرایش پژوهشگران به انجام دادن پژوهش‌های تطبیقی است. گسترش دسترسی عموم به فضای مجازی باعث شد افراد گوناگون حجم انبوهی از داده‌ها و اطلاعات در مورد کارکرد و نقش نظام‌های آموزشی را تهیه و در دسترس محققان قرار دهند (ویلسون، ۲۰۰۳). پایگاه‌های اطلاعاتی سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو، یونسف، بانک جهانی و صدها مؤسسه دولتی و عمومی دیگر فرصتی طلایی برای دسترسی آسان پژوهشگران به داده‌های پژوهشی - بدون تحمل هزینه‌های سفر - فراهم ساختند تا آنان بتوانند با رویکرد تطبیقی روندهای حاکم بر فضای نظام‌های اجتماعی - آموزشی را در سطح جهان مطالعه و بررسی کنند.

سومین عامل مؤثر بر افزایش مطالعات تطبیقی را باید در توجه به نقش نظام‌های آموزشی در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن جست‌وجو کرد. در چند دهه گذشته مؤسسات بین‌المللی با برگزاری انواع آزمون‌ها و ارزشیابی‌های تحصیلی، عملکرد نظام‌های آموزشی را از بُعد کارایی و اثربخشی به‌دقت سنجیدند و بررسی کردند. برگزاری آزمون‌های پیشرفت تحصیلی همچون TIMSS^۲ (مطالعه بین‌المللی روندهای آموزش ریاضیات و علوم) و PIRLS^۳ (مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن) باعث شد ملت‌ها و دولت‌ها خود را در صحنه رقابتی فشرده و عیان ببینند. هدف نهایی این آزمون‌ها کشف و شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام‌های آموزشی کشورهای عضو و ارائه راهکارهای علمی و عملی برخاسته از یافته‌های پژوهشی برای بهبودی فرایند یاددهی - یادگیری است.

مجموع این عوامل توجه و حساسیت بیشتر پژوهشگران علوم انسانی را به گسترش پژوهش‌های تطبیقی در پی داشته است، به نحوی که امروزه کمتر پژوهشگری را می‌توان یافت که به وضع و روند جاری موضوع پژوهش خود در سایر جوامع توجه نکند و از تطبیق غفلت

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به بری، مارک، آدامسون، باب و میسن، مارک (۲۰۰۷)، *پژوهش‌های تطبیقی در آموزش و پرورش: رویکرد و روش* (مترجمان معدن‌دار آرانی و پروین عباسی، ۱۳۹۰)، تهران: آبیژ و همچنین: معدن‌دار آرانی، عباس (۱۳۹۵)، «جایگاه نظام خانواده در بحران‌های منطقه خاورمیانه نقش آموزش و پرورش تطبیقی»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، شماره ۳۳، ص ۶۱-۷۶ مراجعه نماید.

2. Trends in International Mathematics and Science Study

3. Progress in International Reading Literacy Study

ورزد. با وجود این اقبال باید اذعان کرد اغلب پژوهش‌های تطبیقی در حوزه مطالعات آموزش و پرورش و رشته‌های دانشگاهی همچون علوم تربیتی و روان‌شناسی فاقد بنیان‌های قوی علمی است به نحوی که اشاره دقیق به روش تحقیق و ابعاد متفاوت آن نمی‌کنند یا از روش شناخته شده به صورت افراطی - بجا یا نابجا - استفاده می‌کنند. هدف اصلی کتاب حاضر رفع این خلأ برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعات تطبیقی در علوم انسانی و به ویژه رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این کتاب از آثار قلمی اندیشمندان بسیاری فیض برده‌اند که تشکر و قدردانی از همه آنان را بر خود لازم می‌دانند. پیش از هر چیز لازم است از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علیرضا کیامنش، استاد بازنشسته دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) و استاد تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تشکر کنیم. او با دقت فراوان متن اولیه اثر را مطالعه و نظرات اصلاحی خویش را درباره بسیاری از فصول بیان کردند. استاد عزیز جناب آقای دکتر علی ساعی دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، با بزرگ‌منشی فایده‌تعدادی از کتب و مقالات معروف در حوزه مطالعات تطبیقی علوم اجتماعی را در اختیار ما قرار دادند. همکاران گرامی آقایان دکتر اکبر رهنما و دکتر محمدحسن میرزامحمدی اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه شاهد با صبر و حوصله بسیار کتاب را مطالعه و پیشنهادهای سازنده‌ای برای حذف بعضی از مطالب غیر مرتبط و تنظیم فصول ارائه کردند. جناب آقای دکتر محمدرضا سرکار آرانی، استاد دانشگاه ناگویای ژاپن مشوق ما در تهیه اثر و رفع صبورانه نواقص آن بودند و جناب آقای دکتر غلامرضا ذاکر صالحی، دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، با تخصیص وقت ارزشمند خویش توجه مؤلفان را به بعضی ابعاد ناشناخته تحقیق تطبیقی جلب کردند. برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد آرمند، دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت، با دقت نظر فراوان همه فصول کتاب را مطالعه و ویرایش علمی کردند و براساس تجارب ارزشمند خویش در تهیه و تدوین آثار علمی دانشگاهی، کمک بسیاری به تهیه و تنظیم جداول و نمودارها، جابه‌جایی و تنظیم ترتیب فصول و همچنین رعایت معیارهای ادبی نمودند. ما سلامتی، شادکامی و موفقیت همه استادان عزیز را آرزو می‌کنیم. نویسندگان لازم می‌دانند از مدیریت سازمان «سمت» که به ضرورت تهیه و نشر اثر حاضر توجه و علاقه نشان دادند، قدردانی کنند.

سخن نویسندگان

مباحث کتاب در ۴ بخش و ۱۳ فصل تهیه و تنظیم شده‌اند. نویسندگان در بخش اول و در ۴ فصل خواننده را با هدف، ابعاد و ویژگی‌های پژوهش تطبیقی، چهارچوب‌های تحلیل و موضوعاتی همچون تفاوت سطح تحلیل، واحد تحلیل و واحد مشاهده آشنا می‌کنند. بخش دوم کتاب با ۳ فصل توجه خواننده را به این نکته اساسی جلب می‌کنند که پژوهش‌های تطبیقی همچون سایر تحقیقات متضمن توجه و دقت نظر محقق در انتخاب نمونه تحقیق است و به سادگی و بدون اندیشه قوی نمی‌توان به صورت تصادفی همه امور، وقایع، پدیده‌ها، مکان‌ها و زمان‌ها را با هم مقایسه کرد. بر این اساس در یک فصل جداگانه ماهیت تحقیقات تطبیقی بر حسب مطالعه «مورد یا متغیر» بررسی می‌شود. همچنین یک فصل به شیوه‌های استانداردسازی داده‌های جمعیت‌شناختی اختصاص یافته است. هدف اصلی از این فصل جلب توجه پژوهشگران تطبیقی به این موضوع اساسی است که فقدان استفاده از مدل‌های استاندارد جمع‌آوری داده‌ها، قدرت تطبیق و عمومیت‌بخشی یافته‌های تحقیق را به شدت زیر سؤال می‌برد.

در بخش سوم کتاب که بیشترین سهم محتوایی اثر را به خود اختصاص داده است در ۴ فصل انواع روش تحقیق تطبیقی ارائه شدند. در فصل هشتم با نظریه تسین و آدامز آشنا می‌شویم که روش تطبیقی را بِن مایه مشترک همه تحقیقات می‌داند و تصور پژوهش بدون تطبیق را منتفی می‌پندارند. این اندیشه که هیچ پژوهش تربیتی و روان‌شناسی را نمی‌توان یافت که جنبه تطبیق نداشته باشد، هنوز هم به قوت خود باقی است و بیشتر متخصصان آموزش و پرورش تطبیقی آن را کاملاً پذیرفته‌اند. در واقع یکی از نکات اشتراک همه اندیشمندان علوم انسانی تطبیقی را می‌توان باور این ایده دانست که هر نوع پژوهش بدون تطبیق و مقایسه، چیزی جز توصیف صرف نیست و فاقد جذابیت است. در فصول نهم و دهم به روش تحقیق تطبیقی کمی و کیفی (روش جورج اف. بردی و روش تطبیقی تاریخی) اشاره و در فصل پایانی روش تطبیقی مجموعه‌ای و سه زیرمجموعه آن، یعنی روش جان استوارت میل، بولین و فازی را معرفی کردیم. بخش چهارم اثر در ۲ فصل به بحث بسیار مهم ارزیابی پژوهش‌های تطبیقی اختصاص یافته است. پژوهشگران در پژوهش‌های تطبیقی کمی مشابه دیگر تحقیقات می‌توانند از شیوه‌های

رایج ارزیابی سود جسته و کلیه ابعاد آن را - از عنوان پژوهش تا یافته‌ها - نقد و ارزیابی و پایایی و روایی آن را نیز تعیین کنند.

سنجش و ارزیابی در پژوهش‌های تطبیقی کیفی از شیوه‌های متعارف ارزیابی پژوهش کیفی سود می‌برند، در حالی که می‌توان هم‌زمان به معیارهای ویژه پژوهش تطبیقی نیز اشاره کرد. خوانندگان در آخرین فصل با تعدادی از اشتباهات رایج پژوهشگران ایرانی در مطالعات تطبیقی آشنا می‌شوند.

اگرچه اثر حاضر حاصل سال‌ها اندیشه‌ورزی و خوشه‌چینی از خرمن دانش فرهیختگان و اندیشمندان بسیاری است، با این حال عاری از نقص نیست. از همه خوانندگان فرهیخته تقاضا داریم پیشنهادهای اصلاحی خویش را به آدرس رایانامه روابط عمومی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) (info@samt.ac.ir) یا رایانامه مؤلفان (rie2000@gmail.com) ارسال نمایند.

عباس معدن‌دار آرانی

لیدا کاکیا